

# عالمان دین در زیارت امام رضا

اشاره: یکی از سیره‌های اخلاقی و تربیتی عالمان دین، زیارت بارگاه امام علی‌بن موسی‌الرضا <sup>(علیه السلام)</sup> است. آن بزرگواران در هر فرصتی به زیارت قبر آن امام معصوم <sup>(علیه السلام)</sup> می‌شتافتند و از رهگذر فیض زیارت، دل و جان خود را سیراب می‌ساختند. آنها با آنکه می‌دانستند امام، زنده و مرده ندارد و از راه دور نیز می‌توان او را زیارت و با وی ارتباط روحی برقرار کرد در زیارت حضوری و از نزدیک، لطف، حلاوت و تأثیری می‌دیدند که در زیارت از راه دور، آن را مشاهده نمی‌کردند. امامان معصوم <sup>(علیهم السلام)</sup> نیز، همواره پیروان خود را به زیارت قبر خویش و دیگر امامان توصیه می‌کردند؛ چنان‌که امام رضا <sup>(علیه السلام)</sup> در این‌باره می‌فرماید: «ما زارنی أحد من أولیایی عارفاً یحقِّیَ إلَّا شَفَعْتُ لَهُ یومَ القِیامَةِ؛ هیچ‌کس از دوستان من، مرا درحالی‌که به حق من معرفت دارد، زیارت نکرد؛ مگر آنکه در روز قیامت از او شفاعت خواهم کرد». (حرّ عاملی، ۱۴۱۶ ق، ج ۱، ص ۵۵۳) آنچه در پی می‌آید، اشاره‌ای است، به سیر عملی برخی از عالمان بزرگ دینی درباره زیارت امام رضا <sup>(علیه السلام)</sup>.

- ۱. آیت‌الله کوهستانی <sup>(رحمته الله علیه)</sup>**

آیت‌الله کوهستانی در میان اهل بیت بزرگوار پیامبر <sup>(صلی الله علیه و آله)</sup>، به حضرت رضا <sup>(علیه السلام)</sup> اظهار محبت بیشتری می‌کرد و در سایه همان دل‌بستگی و ارادت، بارها برای زیارت و بهره‌مند شدن از عنایت‌های ویژه آن‌حضرت به مشهد مقدس سفر کرد. ایشان در حقیقت، بهترین و مطمئن‌ترین وسیله سعادت و نجات را در توسل و زیارت به آن امام زئوف و اجداد پاکش می‌دید.

یکی از ارادتمندان ایشان می‌گوید: در تمام مدتی که در مشهد خدمت ایشان بودم، روزی سه مرتبه به حرم مشرف می‌شد و من به‌دلیل کھولت سنش، او را همراهی می‌کردم. سحر و نزدیک صبح، همراه ایشان به حرم می‌رفتم تا دو سه ساعت مشغول زیارت و دعا و نماز بود و پس از زیارت برای صرف صبحانه به منزل می‌آمدیم. بار دیگر نزدیک ظهر، با هم به طرف حرم حرکت می‌کردیم. مرتبه سوم هم یک ساعت به اذان مغرب، روانه حرم می‌شدیم و در تمام مدت، ایشان حال و هوای خاصی داشت و با شوق وصف‌ناپذیری به دعا و زیارت و قرأت قرآن می‌پرداخت.

روزی آیت‌الله العظمی فاضل لنکرانی <sup>(رحمته الله علیه)</sup>، آیت‌الله کوهستانی را در حرم مطهر حضرت رضا <sup>(علیه السلام)</sup> دیده بودند و درباره توجه و حضور ایشان فرمودند: وقتی ایشان را در حرم امام رضا <sup>(علیه السلام)</sup> دیدم که مثل یکی زائر معمولی مشغول زیارت بود و با چه حال و توجهی زیارت می‌خواند، خیلی لذت بردم.

– معرفت و شناخت آیت‌الله کوهستانی به ساحت امام رضا <sup>(علیه السلام)</sup> به‌حدی بود که توجه به غیر آن‌حضرت را در کنار مرقدش جایز نمی‌دانست. روزی یکی از فضلا در جوار مرقد حضرت رضا <sup>(علیه السلام)</sup> به ایشان گفت: آقا! حرزی به من پیاموز که همواره به‌همراه داشته باشم. ایشان درحالی‌که به قبر مطهر آن‌حضرت اشاره می‌کرد، فرمود: من حرز بلد نیستم؛ هرچه می‌خواهی برو از حضرت بخواه.

– یکی از شاگردان آیت‌الله کوهستانی <sup>(رحمته الله علیه)</sup> می‌گوید: اخلاق و سیره معظم‌له در سفر زیارتی مشهد، درخور توجه و درس‌آموز است و درحقیقت، از معرفت عمیق ایشان به آن امام زئوف نشان دارد. رفتار ایشان در مشهد با خانواده و دوستان، از لطافت و صفای بیشتری برخوردار بود؛ به‌گونه‌ای که در نوع غذا و خریدن سوغات، توسعه بیشتری قائل می‌شد و هیچ‌گونه سخت‌گیری نمی‌کرد و می‌گفت: ما مهمان حضرت رضا <sup>(علیه السلام)</sup> هستیم و اینجا برای خوردن غذا استخاره نمی‌کنیم و به دوستان نیز سفارش می‌کردند، خانواده را در تنگنا قرار ندهند. روزی یکی از

همراهان ایشان مقداری میوه نامرغوب خریده بود. آقا خطاب به وی فرمود: اینجا خراسان است. مبادا بر خانواده سخت بگیرید. بگذارید این چند روز بر خانواده خوش بگذرد.

– لحظه وداع ایشان با مولایش حضرت رضا <sup>(علیه السلام)</sup> نیز دیدنی بود. یکی از شاگردان ایشان می‌گوید: حال ایشان هنگام وداع عجیب بود. چنان با آن‌حضرت سخن می‌گفت که گویا او را در برابر خود می‌بیند و حضوری با او گفت‌وگو می‌کند و مثل بنده‌ای ذلیل در برابر مولای خود عجز و لابه می‌نماید. پس از مدتی که رویه‌روی حضرت می‌ایستاد، اشک‌ریزان به سمت رواق «دار السیاده» می‌رفت و صورت را روی عتبه می‌گذاشت و مدتی با حضرت درد و دل می‌کرد، آنگاه به سمت درب صحن می‌رفت و لحظاتی در آنجا می‌ایستاد. خلاصه آنکه وداع ایشان با حضرت حدود یک ساعت طول می‌کشید. گویا نمی‌توانست از آن‌حضرت دل بکند و از محضرش جدا شود. در تمام این مدت گریه می‌کرد و اشک فراوانی از دیدگانش جاری بود و حالش قابل وصف نبود.

– فرزند آیت‌الله کوهستانی می‌گوید: در دوران کودکی، مبتلا به تب شدیدی شدم و مدتی در بستر بیماری افتادم. در همان ایام، جمعی از اهالی که برای زیارت ثامن‌الائمه امام رضا <sup>(علیه السلام)</sup> به مشهد مشرف شده بودند، بازگشتند و به‌پاس احترام ایشان، پیش از آنکه به منزل خود بروند، به حضورشان رسیدند. در این هنگام ایشان به آنان فرمود: بیایید گرد و غبار لباس‌های‌تان را بر روی فرزند بیمار من بریزید که غبار لباس زائران امام رضا <sup>(علیه السلام)</sup> شفاس.

- ۲. آیت‌الله ایازی <sup>(رحمته الله علیه)</sup>**

آیت‌الله ایازی یکی از علمای بزرگ معاصر مازندران و از دل‌باختگان مکتب اهل‌بیت <sup>(علیهم السلام)</sup> بود. ایشان از خاطرات خود درباره سفر زیارتی خویش به حرم امام رضا <sup>(علیه السلام)</sup> چنین می‌گوید: من در سفر خود به مشهد، علاوه بر زیارت و استفاده از مقام معنوی امام، سعی می‌کردم، با اساتید و عالمان بزرگ آنجا آشنا شوم و از خرم‌دانش آنها بهره جویم. اساساً از الطاف الهی به این‌جانب در دوران جوانی که در حوزه علمیه قم به تحصیل اشتغال داشتم، توفیق زیارت مرقد مطهر حضرت ثامن‌الائمه <sup>(علیه السلام)</sup> است. در نخستین مسافرتم به مشهد مقدس، موفق به دیدار دو شخصیت بزرگ علمی آن دیار شدم. نخستین شخصیت علمی که توفیق ملاقات با ایشان را داشتم، جناب ادیب نیشابوری،

معروف به ادیب ثانی بود که در ادبیات عرب، تخصص و مهارت خاصی داشت و مدزرس رسمی کتاب‌های ادبی در حوزه علمیه مشهد بود و دیگری جناب میرزا حبیب‌الله گلپایگانی بود. این خود، یکی از بزرکات و آثار معنوی زیارت امام رضا <sup>(علیه السلام)</sup> است که انسان توفیق می‌یابد، در آن دیار به زیارت عالمان بزرگ نائل آید و از خرم‌دانش و معنویت آنها فیض ببرد.

- ۳. آیت‌الله‌العظمی گلپایگانی <sup>(رحمته الله علیه)</sup>**

آیت‌الله‌العظمی گلپایگانی <sup>(رحمته الله علیه)</sup> در یکی از خاطرات خود درباره زیارت امام رضا <sup>(علیه السلام)</sup> می‌فرماید: من در زمان استادم آیت‌الله‌العظمی شیخ عبدالکریم حائری یزدی <sup>(رحمته الله علیه)</sup> به مشهد رفته بودم. از ایشان اجازه خواستم، به مشهد مقدس مشرف شوم. فرمود: به نظر می‌رسد، در این‌صورت نیازمند شوی و آن استغنائی که برای شما در این مرحله لازم است، از دست بدهی. به ایشان گفتم: این‌طور نیست. دو قطعه فرش از پدرم ارث برده‌ام و آن را فروخته‌ام و حدود ۲۵ تومان پول دارم. بدین ترتیب عازم مشهد شدم. ابتدا به تهران رفتم و در مدرسه مروی ساکن شدم. در آن زمان، دولت پهلوی، عمامه را از سر طلاب برمی‌داشت و اجازه نمی‌داد، کسی بدون مجوز عمامه داشته باشد؛ مگر اینکه شخص از مدرسان حوزه علمیه می‌بود که در آن‌صورت، جواز عمامه گذاشتن به او داده می‌شد.

به تهران که رفتم، جواز عمامه‌ام را فراموش کرده بودم، ببرم. رفتم خدمت حاج‌آقا روح‌الله (امام خمینی) و جواز عمامه ایشان را گرفتم و به مشهد مشرف شدم و در آن سفر، توجهات و عنایات فراوانی از سوی حضرت علی‌بن موسی‌الرضا <sup>(علیه السلام)</sup> به من شد.

آیت‌الله سید محمدعلی روحانی می‌گوید: من مقید بودم هر سال ۲۳ ذیقعدہ به زیارت امام رضا <sup>(علیه السلام)</sup> مشرف شوم؛ چراکه زیارت آن‌حضرت در این روز، آثار شگفت‌انگیزی دارد. تا وقتی که اداره اوقاف و حج دایر شد و گفتند: روحانیان را به حج می‌برند و من تصمیم گرفتم، سه سال پشت سر هم به حج، مشرف شوم؛ چون اگر کسی سه مرتبه پشت سر هم به حج مشرف شود و خرم‌چهارم نژواند به حج برود، نامش جزء حاجی‌ها نوشته می‌شود. قرار بود، آن سال ۲۳ ذیقعدہ به حج مشرف شوم. شب آیت‌الله گلپایگانی را خواب دیدم که فرمود: آقا سید محمدعلی! چه می‌شود در یک سال دو مرتبه به زیارت امام رضا <sup>(علیه السلام)</sup> مشرف شوی؟ گفتم: آقا! نمی‌توانم؛ چون امسال باید به حج مشرف شوم و به‌همان یک بار بسنده



کنم. ایشان فرمود: پس حالا که قصد داری به حج مشرف شوی، در مدینه غسل کن و از طرف امام رضا <sup>(علیه السلام)</sup> به زیارت مرقد پیامبر <sup>(صلی الله علیه و آله)</sup> مشرف شو، تا ثواب زیارت امام رضا <sup>(علیه السلام)</sup> را نیز برده باشی. آیت‌الله روحانی می‌افزاید: سال اول به‌همان کیفیت زیارت کردم. سال دوم که به حج مشرف شدم، روز دوم باز آیت‌الله‌العظمی گلپایگانی <sup>(رحمته الله علیه)</sup> را به خواب دیدم که فرمود: «دو شبانه روز است، آمده‌ای و هنوز نایب الزیاره امام رضا <sup>(علیه السلام)</sup> نشده‌ای».

- ۴. آیت‌الله‌العظمی مرعشی نجفی <sup>(رحمته الله علیه)</sup>**

درباره آیت‌الله‌العظمی مرعشی نجفی نوشته‌اند: ارادت خالصانه و محبت شدید وی به خاندان ولایت و شوق عتبه‌یوسی امام رضا <sup>(علیه السلام)</sup>، او را از نجف اشرف به ایران کشانید. از این‌رو، در همان سال به مشهد مقدس سفر کرد و سر بر آستان مقدس حضرت علی‌بن موسی‌الرضا <sup>(علیه السلام)</sup> سایید و آتش اشتیاقی که سال‌ها در درون وی شعله کشیده و سر برداشته بود، با دیدار مرقد مطهر آن‌حضرت بیشتر در جانش شر افکند؛ چنان‌که بی‌تابانه، ضریح مقدس را در آغوش کشید و ساعت‌ها حدیث شور و اشتیاق زمزمه کرد.

او که اکنون به دریا متصل شده و شربت گوارای عرفان و وصال را نوشیده بود، جانی تازه گرفت و در زرقای وجود خود، احساسی دیگرگونه یافت که وصف آن مشکل است. وی سبکبار بر بال اندیشه، به بازدید کتابخانه و گنجینه‌های نفیس آستان قدس شتافت و ساعت‌ها در کنار بارگاه ملکوتی امام رضا <sup>(علیه السلام)</sup>، کام جان را با دیدن کتاب‌ها و رساله‌ها شیرین ساخت. سپس به دیدار عالمان، فقیهان، دانشمندان، مدارس علمی و مراکز تحقیقی و فرهنگی شتافت و استفاده فراوان برد و سرسمت از جام وصال امام هشتم <sup>(علیه السلام)</sup> و پربار از اطلاعات و معلومات گسترده و سودمندی که به دست آورده بود، راهی دیار خود شد.

- ۵. علامه طباطبایی <sup>(رحمته الله علیه)</sup>**

مرحوم علامه طباطبایی، به امامان و خاندان پیامبر <sup>(صلی الله علیه و آله)</sup>، ارادت و شیدایی خاصی داشت و هرگاه نام یکی از آن بزرگواران برده می‌شد، به‌شدت احترام می‌کرد؛ به‌گونه‌ای که برای هر بیننده‌ای آشکار بود. ایشان در تابستان‌ها همواره به زیارت حضرت رضا <sup>(علیه السلام)</sup> می‌رفت و تمام تابستان را در مشهد مقدس ساکن و هرشب نیز به حرم مطهر مشرف می‌شد. اگر هم به ایشان پیشنهاد می‌شد، در جای خوش آب‌وهوایی در مشهد ساکن شود، می‌فرمود: ما از پناه امام هشتم <sup>(علیه السلام)</sup> جای دیگر نمی‌رویم.

اسلام در طول تاریخ، افزود؛ هیچ موقع تشیع، فرصت ابراز صورت اجتماعی خود را نداشت و بحث‌هایی مانند ولایت فقیه، در حاشیه بحث‌هایی که به زندگی خصوصی اشاره می‌کرد، مطرح می‌شد و جوانه می‌زد و در سطح نظامات سیاسی، اندیشه‌هایی که هویت مدرن داشتند، در دستور کار برنامه‌ریزانی قرار گرفتند که هویت اجتماعی را در دست داشتند.

وی با اشاره به مواجه بودن انقلاب با چالش‌های تمدنی در جهان مدرن، اظهار کرد: در آغاز قرن ۲۱ بحث حضور تمدن‌ها در سطح بین‌المللی، به رسمیت شناخته می‌شد

و اسلام خود در رسمیت بخشیدن به این مسئله نقش بزرگی

وقتی به مشهد مشرف می‌شد و به حرم مطهر حضرت رضا <sup>(علیه السلام)</sup> می‌رفت، دست‌های لرزان خود را بر چارچوب در می‌گذاشت و به‌گونه‌ای چارچوب را می‌بوسید که نشان می‌داد، تمام وجودش به ساحت قدسی آن‌حضرت ادب و عشق می‌ورزد و این ادب و عشق، در تمامی اوقات زیارت و نمازش در حرم مطهر، از سوی ایشان به‌خوبی پیدا بود.

- ۶. حکیم الهی قمشه‌ای <sup>(رحمته الله علیه)</sup>**

درباره حکیم الهی قمشه‌ای نوشته‌اند: بیشتر تابستان‌ها به مشهد مقدس مشرف می‌شد و می‌گفت: هر وقت حضرت امام رضا <sup>(علیه السلام)</sup> مرا خواسته، رفته‌ام و هنوز بی‌دعوت نرفته‌ام؛ یعنی اینکه در عالم رؤیا می‌دید، در رؤیا یا ایوان و صحن آن‌حضرت قرار گرفته است.

ایشان می‌گوید: در یکی از سفرهایم به مشهد مقدس، کنار ضریح مقدس امام رضا <sup>(علیه السلام)</sup> رفتم و از آن‌حضرت خواستم، مرا به مقام «رضا» برساند. از حرم که بیرون آمدم، یک اتومبیل جیب ارتشی به من زد و پرت شدم و دست و پایم شکست. فهمیدم امام رضا <sup>(علیه السلام)</sup> خواسته مرا اجابت کرد؛ چراکه این تصادف، بهترین محک برای سنجش مقام «رضا»ی من بود و من که احساس می‌کردم، در برابر این مشکلی که برایم پیش آمد، کاملاً در برابر خواسته خداوند راضی هستم و هیچ گله و اعتراضی ندارم، هم راننده ماشین را بخشیدم و هم سپاسگزار عنایت زیبایی حضرت رضا <sup>(علیه السلام)</sup> به خویش شدم.

ز تو سگر تفقد و گسـر بلا
بُـود آن عنایت و این کرم
همه خوش بود ز تو ای صنم!
چه وفا کنی، چه جفا کنی

- ۷. آیت‌الله شیخ مرتضی حائری <sup>(رحمته الله علیه)</sup>**

آیت‌الله شیخ مرتضی حائری <sup>(رحمته الله علیه)</sup> علاقه فراوانی به زیارت امام رضا <sup>(علیه السلام)</sup> داشت. ایشان همواره در پی فرصتی برای زیارت آن امام بود. حتی در ایام درسی، وقتی حوزه، دو سه روز به‌مناسبتی تعطیل می‌شد، به زیارت آن‌حضرت می‌رفت. او هنگام تشرف به حرم امام رضا <sup>(علیه السلام)</sup>، به زائران آن‌حضرت احترام می‌گذاشت و زائر ایشان را هرچند از افراد معمولی بود، بزرگ می‌شمرد. وی همواره می‌گوشتید، هنگام زیارت در میان مردم عادی بنشیند و امام را زیارت کند. خودش می‌گفت: احترام به زائران، احترام به آن‌حضرت و موجب خشنودی آن امام است.

آیت‌الله شب‌زنده‌دار می‌گوید: آیت‌الله شیخ مرتضی حائری <sup>(رحمته الله علیه)</sup> درباره علت این احترام به زائر امام رضا <sup>(علیه السلام)</sup> می‌گفت: یکی از زائران حضرت رضا <sup>(علیه السلام)</sup> یک بار به مشهد مقدس مشرف شد و اتفاقی در خانه‌ای اجاره کرد و مرتب به زیارت حضرت مشرف می‌شد. او دید که در طبقه دیگر، فردی است که مدت‌ها بیش از او در مجاورت حرم مطهر ساکن شده؛ ولی در عین حال، بیش از او به حرم مشرف می‌شود و آداب زیارت را بهتر از او بیجا می‌آورد و زیارت‌ها را هم بیشتر طول می‌دهد. یک روز به حال او غبطه خورد و تصمیم گرفت، او هم با آداب مخصوص مثل غسل و خواندن اذن دخول و ... به حرم مشرف شود.

می‌گفت: یک روز صبح، آداب و مقدمات لازم را انجام دادم و به حرم رفتم. وقتی خواستم وارد حرم مطهر شوم، یکی از آشنایان را دیدم که از حرم خارج می‌شود. نزدیک آمد و با من بسیار گرم گرفت؛ ولی من که می‌خواستم اذن دخول بخوانم و با حال وارد حرم شوم، با او خیلی سرد برخورد کردم. بعد وارد حرم شدم و به نظر خودم، زیارت باحالی کردم و از حرم بیرون آمدم و دیدم، آن همسایه مجاور هنوز از حرم نیامده است.

پس از مدتی او هم آمد و مرا با اسم و بدون احترام و القاب صدا زد و گفت: فلاّنی! حضرت فرمود: دیگر به زیارت من نیا! تا این جمله را گفت، فهمیدم برخورد سردم با آن زائر، حضرت، امام را ناراحت کرده و چنین دستوری داده‌اند. از این‌رو، رفتم با هر زحمتی بود، با اینکه آدرسی از او نداشتم، وی را یافتم و عذرخواهی کردم؛ ولی به حرم نرفتم تا اینکه روز بعد، همان همسایه وقتی از حرم برگشت، مرا با احترام صدا کرد و گفت: امام فرمود: حالا به زیارت من بیا!

- ۸. آیت‌الله‌العظمی بهجت <sup>(رحمته الله علیه)</sup>**

فرزند مرحوم آیت‌الله آیت بهجت می‌گوید: یکی از سیره‌های زیارت مرحوم پدر، زیارت امام رضا <sup>(علیه السلام)</sup> بود. در روزهایی که به اتفاق ایشان در مشهد به سر می‌بردیم، می‌دیدم که ایشان هر وقت از حرم برمی‌گشت، نشاط و نیروی عجیبی پیدا می‌کرد و اصلاً هیچ احساس ضعفی نمی‌کرد؛ انگار حرم قوتش و ارتزاقش بود. گاهی که به ایشان اعتراض می‌کردیم که آقا! از این مسائل کم کنید. کارهای دیگری داریم، می‌فرمود: دیگران اگر می‌خواهند، دنبال روزی بروند، من روزی‌ام همین جاست.

ایشان می‌فرمود: در سفری که به مشهد مشرف شده بودم، مرحوم آیت‌الله مطهری پیش من آمد و اصرار کرد، شما یک روز میهمان ما در فریمان باشید. علامه طباطبایی هم آنجاست. من عذر خواستم و به‌رغم اصرارش، نرفتم.

ایشان بعدها فرمود: من بی‌میل نبودم دعوت شهید مطهری را بپذیرم و به فریمان بروم؛ ولی دلیل نپذیرفتن خواسته او از سوی من، این بود که احساس کردم، اگر بخواهم بروم فریمان، یک نوبت زیارت امام رضا <sup>(علیه السلام)</sup> از من سلب می‌شود و به‌همین علت نپذیرفتم.

منبع: حوزه‌نت/ سیدمهدی هریکنده‌ای

##### منابع

- نعمه حسینی، تصحیح و باورقی: سید محمدرضا غیائی کرمائی، قم، پارسیان؛
- دکتر حسین الهی قمشه‌ای، تهران، روزنه؛
- امیری سوادکوهی، محمد، ۱۳۸۷، ایازی از ملکوت، قم، سلسله؛
- حرّ عاملی، ۱۴۱۶ ق، وسایل الشیعه، قم، مؤسسه آل‌البیت <sup>(علیهم السلام)</sup>، «الاحیاء الترات؛
- شهاب شریعت (درکن در زندگی حضرت آیت‌الله‌العظمی مرعشی نجفی)؛
- فصلنامه فرهنگ زیارت، ۱۳۸۹، سال اول، شماره سوم و چهارم؛
- بر قله پارسایی (زندگینامه آیت‌الله کوهستانی)، قم، مؤسسه انتشاراتی زمینه‌سازان ظهور امام عصر <sup>(علیه السلام)</sup>؛
- نوری از ملکوت (زندگینامه آیت‌الله‌العظمی گلپایگانی)، قم، دفتر نشر برگریده؛
- مرزبان وحی و خرد، قم، بوستان کتاب (انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم).

پیامدهایی دارد.

حجت‌الاسلام والمسلمین پارسانیا گفت: این کشتارها و تخریب‌ها که در دوران صدام به‌شدت صورت می‌گرفت، به این دلیل بود که صدام نتایج این حرکت را خوب می‌فهمید و نگران بود؛ زیرا این حرکت برای حکومت او نقش سیاسی و اجتماعی داشت؛ در عین اینکه ممکن بود، خود زائران اصلاً ندانند که چه حرکت مهمی در حال انجام است.

وی تأکید کرد: خود زیارت نقش فرهنگی و تاریخی دارد و گویی، هم برای زندگی فردی، هم برای زندگی تاریخی و هم برای تعامل‌های زندگی فرهنگی و اجتماعی انسان، مانند علم هدایت است.

دارد و نقطه عطف آن نیز، انقلاب اسلامی است. عضو شورای عالی انقلاب فرهنگی تشریح کرد: مسئله زیارت، سطوح مختلفی دارد و برخی از احکام در عین آن‌که فردی است، لایه‌های اجتماعی نیز دارد؛ مانند نماز که هم فردی است و هم به‌جماعت یا به‌صورت نماز جمعه و نماز عید درمی‌آید و هویت اجتماعی نیز دارد و زیارت نیز، از طرفی به‌شدت با هویت فردی شخص مرتبط است و در خصوصی‌ترین حالات نیز نقش دارد.

وی اضافه کرد: اما به‌تدریج ابعاد اجتماعی زیارت نیز مطرح می‌شود؛ ولو اینکه زائر خود از آن غافل باشد؛ اما

سیاست‌مدار می‌فهمد که آمدن به این مجموعه، چه

عضو شورای‌عالی انقلاب فرهنگی

## زیارت اربعین اثر تمدنی، فرهنگی و تاریخی دارد